

پهلوی اول و مسئلهٔ عشایر

(فارس، بختیاری، قشقایی، خمسه، عرب خوزستان و...)

(۱۳۰۴-۱۲۹۸)

مطالعه‌ای در نقش سیاسی عشایر بزرگ

جنوب ایران

دکتر جواد کاراندیش
ترجمهٔ محمد جواهرکلام



کتابخانه

فهرست

۷	یادداشت مترجم
۹	بخش اول: پس زمینه کلی
۹	مقدمه
۴۲	فصل ۱
۴۲	قبایل کوچی در ایران
۸۹	فصل ۲) ایران قاجار در تاریخ نو
۱۳۱	بخش دوم: مبارزه قدرت
۱۳۱	فصل ۳) ایل‌های بزرگ در فارس، ۱۹۱۹-۱۹۲۰
۱۵۵	فصل ۴) رویدادهای سیاسی فارس، ۱۹۲۱-۲۲
۲۰۵	فصل ۵) خوزستان
۲۲۱	فصل ۶) بختیارها در ۱۹۱۹-۱۹۲۰
۲۴۶	فصل ۷) بختیارها و اتحادیه جنوب
۲۹۵	بخش سوم: تمرکزگرایی
۲۹۵	فصل ۸) دولت مرکزی و جنوب
۳۴۱	فصل ۹) وزیر جنگ در جنوب
۳۸۹	فصل ۱۰) مسأله امنیت
۴۲۹	فصل ۱۱) جنوب میان دو پائیز ۱۹۲۳-۱۹۲۴
۴۶۲	فصل ۱۲) قیام در جنوب
۵۲۸	فصل ۱۳) نتیجه
۵۵۷	منابع فارسی و عربی
	منابع لاتین
	فهرست اعلام

فصل ۱

قبایل کوچی در ایران

جغرافیای اساسی ایران

جغرافیای طبیعی غرب ایران دنباله فلات ایران به طور کلی است. جغرافیای طبیعی و موقعیت جغرافیایی ایران اثر مستقیمی بر پیدایش و ادامه شیوه کوچ - شبانی در ایران داشته است. به همین دلیل اینجا پیش از مطالعه مسئله قبایل جنوب، مختصری در باب جغرافیای ایران گفته می‌شود.

موقعیت و مرزها

امروز ایران ناحیه‌ای به مساحت ۱۶۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع را در بر می‌گیرد و مشتمل بر بخش غربی فلات ایران و دامنه‌های آبرفتی آن نیز هست. فلات ایران میان رودخانه‌های دجله و سیند و میان دو رشته خط ساحلی، یکی دریای خزر در شمال و دیگری خلیج فارس در جنوب واقع است. فلات ایران در جنوب غربی آسیا در منطقه معتدل نزدیک به خط استوا، میان عرض جغرافیایی ۲۵ و ۴۰ شمالی و عرض جغرافیایی ۴۴ و ۶۳ شرقی قرار گرفته و با ماورای قفقاز و دشت آسیای مرکزی در شمال، با فلات آناتولی در آسیای صغیر و دشت بین‌النهرین (میانرودان)* در غرب و با فلات پامیر و دشت سیند در شرق هم مرز است.^۱

*. بین‌النهرین (در عربی: بین‌الرافدین = میان دو رود: دجله و فرات)، نام منطقه‌ای است که بعد از استقلال «عراق» نام گرفت. اصطلاح فارسی «میانرودان» پیشنهاد زنده‌یاد دکتر محمد حسین روحانی برای این منطقه است. - م.

جغرافیای طبیعی

ایران به دو رشته کوه محدود است: البرز در شمال و زاگرس در غرب. کوههای البرز از آرات در ارمنستان تا هندوکش در افغانستان امتداد دارند. دماوند، بلندترین قله کوههای البرز، به ارتفاع ۵/۶۷۱ متر از سطح دریا، در نزدیکی تهران قرار دارد. ارتفاع قله دیگر البرز میان ۴۰۰۰ تا ۳۰۰۰ متر است. کوههای البرز میان ۶۰ تا ۱۳۰ کیلومتر پهنا دارند.^۲

کوههای زاگرس از شمال غرب ایران تا جنوب شرق کشیده شده‌اند. قله دنا بلندترین قله این رشته کوه است، که به ارتفاع ۵۰۰۰ متر در فارس قرار گرفته است. در بعضی مناطق، این رشته کوه بیش از ۲۰۰ کیلومتر پهنا دارد. به همین دلیل رشته کوه یاد شده نقش مانعی را بازی می‌کند که جلوی رسیدن باران به مرکز فلات را می‌گیرد. بیش از ۵۰ درصد کل سطح اراضی را زمین‌های کوهستانی تشکیل می‌دهد که از لحاظ توپوگرافی (جایگاه‌شناسی) بسیار گسسته‌اند. رشته کوههای بزرگ زاگرس و البرز با هم چون عدد ۷ فارسی به نظر می‌آیند. ناحیه داخل این عدد ۷، با رشته کوههای ثانوی اش چون یک فلات مرتفع شروع می‌شود و تدریجاً به طرف صحراهای داخلی پیش می‌رود.^۳

ارتفاع فلات تدریجاً از ۲۵۰۰ متر از سطح دریا کاهش می‌گیرد تا در مرکز آن به ۱۰۰۰ متر از سطح دریا برسد.^۴ دو صحرای کویر لوت و کویر نمک منطقه بزرگی از فلات را تشکیل می‌دهند که از جنوب شرق تا مرکز و تا نزدیکی خط ساحلی دریای عمان امتداد دارد. بیرون فلات دو دشت قرار دارند که از رسوبات آبرفتی البرز و زاگرس ساخته شده‌اند: اینها عبارتند از جنوب دشت ساحلی خزر تا شمال رشته کوه البرز، و خوزستان تا جنوب غربی کوههای زاگرس.

1. * Gholam Reza Kuros, & the others, *Ab va fan-e Abyari dar Iran-e Bastan*, Tehran: 1971, p 24.

2. Dewan & M.L. J. Famuri, "Soils", in *Cambridge History of Iran*, vol.I, Cambridge : 1968, p 250.

3. *Rene Grose, *la civilisation Iranienne*, traduit en Perse, J. Behnam, Tehran: 1959, p 9.

توضیح: منابعی که با علامت * از دیگر منابع لاتین متمایز شده‌اند، به فارسی برگردانده شده‌اند، ولی چون مؤلف به صفحات نسخه لاتین آنها مراجعه کرده، به سبب دشواری یافتن ترجمه فارسی آنها و تطبیق شماره صفحه لاتین‌شان با فارسی، عیناً با مشخصات کتابشناختی لاتین در پانویس نقل شده‌اند. لیست این نوع منابع در پایان تحت عنوان: «منابع فارسی و عربی» آمده است. - م.

4. M. H. Ganji, in *Cambridge History of Iran*, vol.I, Cambridge: 1968, p 238.

میزان بارندگی

در ایران میانگین بارش سالانه ۴۰۰ میلی متر است، اما این میزان نباید ما را گمراه کند زیرا توزیع باران در سراسر کشور یکسان نیست. بارش باران در مرکز فلات و تمام طول ساحل جنوبی از مناطق دیگر بسیار کمتر است.^۵ در کوههای مرتفع و سواحل دریای خزر متوسط بارش سالیانه بسیار بیشتر از این میانگین است. میزان بارندگی سالیانه در دامنه‌های البرز و زاگرس با ارتفاعی میان ۱۰۰۰ تا ۱۸۵۰ متر از سطح دریا همین مقدار است. به طور کلی، بارندگی از شمال تا جنوب و از غرب تا شرق کاستن می‌گیرد، مگر در جایی که برجستگی زمین این قاعده را به هم بزند.

شکل طبیعی، ارتفاع و فاصله از استوا، قرار گرفتن میان صحراهای شبه جزیره عربستان و کمربند آسیای مرکزی - سیبری، و منطقه کم فشار مدیترانه و دریای خزر، در آب و هوای ایران، درجه حرارت و مقدار باران تأثیر دارند. به طور کلی آب و هوای فلات و دشتها در تابستان گرم و خشک، و در زمستان ملایم همراه با برف و باران است. کوهها تابستانی ملایم و زمستانی سرد و پوشیده از برف دارند، و از این نظر برای زندگی مناسب نیستند. دره‌ها در تابستان گرم و در زمستان سرد هستند، ولی البته نه آنقدر سرد که آنها را سکونت‌ناپذیر کند. در بهار برف سالیانه کوهها آب می‌شود و بعد از آبیاری چراگاههای وسیع، جریانهایی را به وجود می‌آورد که در دره‌ها و دشتها می‌ریزند و در روستاها و شهرها امکانی برای اسکان انسانی را فراهم می‌آورند.^۶

از یک سو کمبود آب، کمبود زمین، یا هر دو، دشواریهای آبیاری و محدودیت کشت، و از سوی دیگر آب و هوای متنوع و فراهم شدن چراگاههای فصلی در سراسر سال، امکانی برای دامداری فراهم آورده است. به همین دلیل بخشی از معیشت مردم ایران از راه دامپروری تأمین می‌شد و همین عامل بر عمر شیوه زندگی کوچی یا نیمه کوچی می‌افزاید.

5. Eckhard Ehlers, *Iran, Grundzüge einer geographischen Landeskunde*, Darmstadt, Wissenschaftliche Buchgesellschaft: 1980, pp 68-73.

6. Gholam Reza Kuros, *op.*, cit, p 45.

جغرافیای انسانی

بخش بزرگ جمعیت در ایران همیشه در مناطق شمالی یا غربی، در دشتهای، دره‌ها و دامنه کوههای زاگرس و البرز که زمینهای مزروعی و چراگاهها در آنها قرار گرفته زندگی کرده است. منطقه وسیع نیمه بایر در شرق، جنوب و مرکزی ایران شهرنشینان را جلب نمی‌کرد و به همین دلیل جمعیت چندانی نداشت.

تخمین می‌شود که جمعیت ایران بعد از جنگ جهانی اول بیش از ۱۰ میلیون نفر بوده است. بیش از ۲۰ درصد جمعیت در شهرها و شهرستانها زندگی می‌کردند. یک چهارم جمعیت کوچی و نیمه کوچی بودند و به حالت پراکنده در کشور اسکان داشتند. حدود ۵۵٪ مردم در ۱۵ تا ۲۰ هزار روستا و آبادی ساکن بودند. مهمترین شهرها عبارت بودند از تهران، پایتخت با ۲۵۰ هزار نفر جمعیت؛ تبریز با ۲۰۰/۰۰۰؛ مشهد ۱۰۰/۰۰۰؛ اصفهان ۷۵۰۰۰ و شیراز ۵۰/۰۰۰ نفر.

جمعیت شهرهای اهواز، کرمانشاه و قُم به ۱ میلیون نفر می‌رسید و شهرهای دیگر کمتر از نیم میلیون جمعیت داشتند. اگر چه تعداد روستائیان از ۵۵ درصد به ۳۳ درصد کاهش یافته بود، ولی شمار روستا و جمعیت به ترتیب به حدود ۶۰ هزار روستا و ۲۲ میلیون نفر رسیده بود.^۷

مهاجرت ادامه‌دار قبایل ایرانی، عرب و سرانجام تُرک مغولی از طریق آسیای مرکزی، شبه جزیره عربستان و قفقاز شیوه زندگی کوچی را در فلات ایران گسترش داد و بر ساختار زبانی / قومی ایران به طور کلی، اثر گذاشت. ایرانیها و از جمله قبایل کوچی به زبانها و لهجه‌های ایران غربی، فارسی، لُری، کردی، و بلوچی، و نیز ترکی و عربی سخن می‌گویند.

اکثریت یا در حدود ۸۸٪ جمعیت، از جمله اکثریت قبایل کوچی از مذهب شیعه پیروی می‌کنند. حدود ۱۰٪ جمعیت سُنی هستند. مسیحیان، یهودیان، زرتشتیان، و بهایی‌ها بر روی هم کمتر از ۲ درصد جمعیت‌اند.

7. Bernard Hourcade, Demography, in Encyclopedia Iranica, vol. VII, USA, 1998, pp 258-268.; Jamshid Behnam, Population, in Cambridge History of Iran, vol. I. ed : W.B. Fisher : The Land of Iran, Cambridge, Cambridge University Press, London, 1968.

سازمان برنامه و بودجه، مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی جمعیت ۱۳۶۵ (تهران، ۱۳۶۶)۔۔۔ سرشماری قبایل کوچی و اسکان یافته ۱۳۶۵ (تهران، ۱۳۶۶)؛ سرشماری عمومی جمعیت و نفوس ۱۳۷۵ (تهران، ۱۳۷۶)۔